

### متن پرسش

به جامعه و انسان ها که برخورد می‌کنیم، می‌بینیم که انسان ها، قوه واهمه شان مدیر است. آنها را وهم اداره می‌کند. به تبع جامعه را نیز وهم اداره می‌کند. می‌بینیم که این جامعه پر هیاهو را که سرشار از پیشرفت است، وهم دارد پیش می‌برد و چقدر هم پیشرفت دارد! نشان از چه می‌دهد این؟ نشان می‌دهد که قوای انسانی چقدر وسعت دارند! خب حالا این انسان بی نهایت طلب که به کم هم راضی نیست، چرا قوه عاقله را مدیر نکند؟ چرا میدان را بدست قوه عاقله ندهد؟ ما می‌بینیم که وهم چه ها کرده و می‌کند. خب این انسان بی نهایت طلب ببیند که اگر جامعه به دست عقلا بود چه عظمتی شکل می‌گرفت! چه کار ها انجام می‌شد! عقل قدرت بیشتری دارد وسعت بیشتری دارد. خب انسانی که به کم راضی نمی‌شود چرا عقل را حاکم نکند که بهره اش بیشتر است؟ کارهایی که جامعه عاقل پیش می‌برد اصلا قابل مقایسه با اینها نیست. آنقدر عظیم است! آنقدر رفیع است! پس انسان منفعت طلب چرا آن را حاکم نکند؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: و همان عقل، متذکر این امر مهم می‌گردد که تنها با حاضر شدن در راهی که شریعت الهی مقابل انسان می‌گذارد، می‌توان به عاقلانه‌ترین راه قدم گذارد و از توهمات رهایی یافت. و در همین فضا جناب مولوی می‌فرمایند:

«خلق اطفالند جُز مست خدا  
گفت دنیا لعب و لهوست و شما  
از لعب بیرون نرفتی کودکی  
موفق باشید

نیست بالغ جز رهیده از هوا  
کودکیت و راست فرماید خدا  
بی ذکاتِ روح کی باشد ذکی